



مهدی خانی زاده \*

## چکیده

مقاله پیش رو در صدد است تا وضعیت ارتش ایران را در طی سالهای 1280 الی 1328 هجری قمری از منظر و دریچه یکی از مجموعه های نظامی آرشیو مرکز اسناد آستان قدس مورد بررسی قرار دهد. در راستای این هدف ابتدا نوع و مشخصات ظاهری اسناد و سپس محتوا و ارزشهای اطلاعاتی این اسناد شامل فوج های سواره و پیاده نظام، توپخانه، حقوق، لباس، نوع سلاح و ادوات جنگی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. ارائه این مباحث می تواند کمکی به محققان و پژوهشگران جهت شناخت هرچه بیشتر اوضاع نظامی ایران در دوره قاجار باشد.

کلیدواژه های موضوعی: اسناد نظامی، دوره قاجار، آرشیو اسناد آستان قدس رضوی

## مقدمه

تا اوایل قرن نوزدهم میلادی ایران فاقد نوعی سازمان منظم و منسجم نظامی بود. سربازان فقط در مواقع جنگ و بروز خطر فراخوانده می شدند و برای تمرکز و تعلیم دادن به آنها بودجه و اعتبار کافی در دسترس نبود. سپاهیان به شیوه های سنتی تعلیم می دیدند و هر قبیله و طایفه ملزم بود برای دولت، نیرو تهیه کند. با آغاز جنگهای ایران و روسیه در اوایل دوره قاجار و شکست های پی در پی، فرسودگی نظام سیاسی — اجتماعی کهن ایران و به تبع آن سازمان لشگری آن آشکار گردید و از آن پس افرادی چون عباس میرزا نایب السلطنه، میرزا عیسی معروف به قائم مقام و ابوالقاسم فراهانی درصدد برآمدند تا با استخدام مریبان و کارشناسان نظامی اروپایی و استفاده از دانش نظامی آنها در سازمان و تشکیلات لشگری کشور اصلاحات لازم را به عمل آورند (سپهر، 1337، ج 1، ص 98). بعد از آنها میرزاتقی خان امیرکبیر با انجام یکسری اصلاحات در نحوه آرایش نیروهای پیاده و سواره نظام، تقویت توپخانه، حذف اخذ سیورسات از زارعین، تغییر الگوی



سرباز گیری، متحدالشکل کردن لباسها، تاسیس قراول خانه و ساخت انواع سلاح و همچنین تاسیس دارالفنون موفق شد تحولی شگرف و اساسی در ارتش ایران به وجود آورد (رضاعلی، 1382، ص 140). کامران میرزا نایب السلطنه فرزند دوم ناصرالدین شاه که برای مدتی وزارت جنگ را بر عهده داشت با تاسیس مدرسه نظام در سال 1303 هجری قمری و استفاده از مستشاران اتریشی در مسیر این اصلاحات گام برداشت (یکرنگیان، 1384، ص 82).

به طور کلی می توان گفت به استثنای دوره ولایتعهدی عباس میرزا نایب السلطنه و ایام صدارت قائم مقام ها و امیر کبیر که برای تقویت بنیه نظامی کشور اقدامات تقریباً خوبی انجام شد، در سایر دوره ها تا سقوط سلسله قاجار، سازمان نظامی کشور به مانند سایر سازمانها و نهادهای کشوری مورد بی مهری و بی توجهی دولتمردان قاجار قرار گرفت و هرگز اقداماتی بنیادی که در پرتو آن ایران بتواند صاحب ارتشی مقتدر، منضبط و منسجم گردد، اجرا نگردید.

در طول تاریخ، ارتش و قوای نظامی یک کشور همیشه در مقام نیروی دفاعی و یک عامل بازدارنده در برابر تهاجمات خارجی بوده اند. هر زمان این قوا از قدرت و توانمندی بالائی برخوردار بود استقلال آن کشور در عرصه جهانی نیز مشهودتر بود. این مسئله می توانست نتیجه عکس داشته باشد یعنی با ضعف و از هم گسیختگی این قوا، زمینه دخالت دول استعمارگر در آن کشور مهیا می شد و امروزه تنها منبعی که می تواند این سیر قدرت و ضعف را برای نسل امروز و آینده به صورت شفاف بازگو نماید، اسناد هستند به جهت اینکه در بطن حوادث روزگار خود تولید شده اند و هر برگ آن شاهد و گواهی از دوران خود می باشد.

مدیریت امور اسناد و مطبوعات سازمان کتابخانه ها و موزه های آستان قدس رضوی به مانند برخی از مراکز آرشیوی کشور همچون سازمان اسناد ملی و کاخ گلستان دارای اسناد متنوعی در زمینه امور نظامی و انتظامی کشور مربوط به دوره قاجار است. این اسناد که اغلب خریداری و یا اهدائی هستند در بردارنده موضوعاتی مثل نحوه استخدام و به کارگیری سربازان، نوع سلاح و تجهیزات، نوع لباس، میزان مواجب، مستمری و سیورسات پرداختی به نظامیان، نمودار تشکیلات پرسنلی فوج ها، درجات و مناصب نظامی، وظایف قورخانه، نحوه تدارکات و اعزام نیرو به مناطق جنگی می باشد که هر یک به تنهایی می تواند موضوع یک مقاله و یا یک طرح پژوهشی باشد.



از جمله مجموعه های بزرگ نظامی آرشیو مدیریت اسناد می توان به مجموعه های علم، آصف السلطنه و حسن زاده اشاره کرد. اسناد خانواده علم مربوط به شرق کشور و خراسان می باشند. این خاندان از زمان امیر اسماعیل خزیمه ( 1144 ق) تا دوره شوکت الملک علم (1323 ش) حکمران منطقه قائنات و سیستان بوده اند (منصف، 1354، ص 17). قسمتی از اسناد این مجموعه مربوط به امور نظامی است که اطلاعات بسیار جالبی در خصوص درگیری نظامیان با اشرار بلوچ و افغان و همچنین فوج های نظامی حاضر در آن حوزه دارد. مجموعه اسناد خانواده آصف السلطنه که اهدایی بنیاد شهید تهران است به مانند خانواده علم، حاوی اطلاعات مفیدی در موضوع تشکیلات قورخانه، مواجب نظامیان و نحوه سربازگیری می باشد. این شخص در سال 1325 ق رئیس قورخانه بوده است (چرچیل، 1369، ص 28) و به همین واسطه اسناد مرتبط با کار وی در این مجموعه موجود است و مجموعه آخر که هدف این مقاله معرفی آن است، اسناد خریداری از آقای حسن زاده می باشد.<sup>1</sup>

## معرفی مجموعه

موضوع و مضمون اسناد فوق که به تعداد تقریبی 10/000 صفحه می باشد شامل هزینه ها، صورت اسامی فوج ها و سربازان، تشکیلات و دفترچه های دستورالعمل دیوانی است که دوره زمانی اواخر قاجاریه را در بر می گیرد و از حیث مکانی هم مربوط به قسمت های شمال غرب، غرب و شمال شرق کشور و محدوده زمانی آنها بین سالهای 1280 الی 1328 قمری می باشد. منشاء اولیه این اسناد متعلق است به میرزاتقی ضیاءالملک، لشکرنویس باشی وقت آذربایجان که در نهایت پس از طی سالیان متمادی و دست به دست شدن در خانواده های قدیمی، امروزه به دست مارسیده است.

اسناد مجموعه حسن زاده از دو منظر کلی دارای اهمیت و قابل بررسی می باشد:

الف\_ به لحاظ نوع و شکل

---

<sup>1</sup> مجموعه نظامی مذکور در طی دو مرحله از آقای ناصرالدین حسن زاده خریداری شده اند. در مرحله اول که موضوع مقاله ما می باشد در آبان ماه ۱۳۸۶ و در مرحله دوم در تیر ماه ۱۳۸۸ با تعداد ۸۰۰۰ صفحه که این قسمت تکمیل کننده اسناد مرحله اول است.



## الف - نوع اسناد

نوع سندها که با توجه به شکل و مشخصات ظاهری «فرد» می باشد در اصطلاح دیوانی به ورقه ای گفته می شود که قطع و اندازه آن نصف قطع یک خشت و گاهی هم باریکتر بوده که منشیان و مستوفیان جمع و خرج ولایات و ایالات و یا خرج خاصی را (همچون امور نظامی) بر روی آن می نوشتند و آنها را روی هم به ترتیب دسته می کردند. در این گونه اوراق هنگامی که جمع و خرج را می نوشتند بر طبق قواعد علم سیاق (یک شیوه نوشتاری حساب در قدیم) بالای ورقه خطی افقی که برابر عرض کاغذ را می گرفته است می کشیده اند و ارقام محاسباتی را در زیر این خط می نوشتند و چون ارقام مزبور در زیر یک خط منفرد نوشته و جمع بسته می شد، آن را نیز فرد می گفتند (قائم مقامی، 1350، ص 123). سواد فرامین و احکام شاهان، والیان و دیگر مناصب عالیه کشوری هم ضمیمه آنها بود. مجموع این اوراق را سالانه و به صورت کتابچه و دفترچه بین دو تخته چوب بسته در کناری نگهداری می نمودند.

اسناد مذکور به مانند کتابچه های تشکیلات اداری و مالی عصر صفویه دارای بخش هایی همچون اوارجه<sup>2</sup>، توجیهات<sup>3</sup>، مقررات<sup>4</sup>، روزنامه<sup>5</sup> صورت اسامی و صورت جمع و خرج می باشد. این نوع شیوه محاسباتی در طول دوره تاریخ اسلامی رایج و متداول بوده و حتی تا اواخر دوره قاجاریه ادامه داشته است (آرشو اسناد آستان قدس رضوی، سند شماره 92732).

مشخصات ظاهری اسناد به شرح ذیل می باشد: دانگ قلم نسبت به اسناد صفویه ریز تر است، علاوه بر جوهر مشکی از جوهر آبی هم استفاده شده، نوع خط سیاق و فارسی شکسته می باشد، جنس کاغذها کشمیری و

<sup>2</sup> از اصطلاحات دیوانی قدیم است و از اوارج گرفته شده و به معنی حسابرسی و پراکنده کردن حسابهای دیوانی است که به

صورت روزانه دریک جا آمده است (فرهنگ دهخدا، ج 3، ص 3616)

<sup>3</sup> به معنی تربیت و حساب دیوانی و پیش آگهی است که شامل برآورد تمام مخارج همچون مواجب، مستمری، مرسوم، مدد معاش، مساعده، اخراجات، تخفیف، کرایه، تعمیرات، سوخت و... می شود (فرهنگ معین، انتشارات امیر کبیر، 1364، ج 1، ص 1162)

<sup>4</sup> کلیه احکام و فرامینی که در رابطه با اوارجه و توجیهات از سوی شاهان، والیان و دیگر مقامات کشوری، لشکری صادر می شود و در اصطلاح کتابچه های دیوانی مقررات نام دارد (فرهنگ دهخدا، ج 14، ص 21330)

<sup>5</sup> دفتری است که در آن تمامی مخارج هر دایره را به صورت روزانه یادداشت می نمودند و بعداً در دفتر (کتابچه) اوارجه، توجیهات علت خرج و مبلغ آن را مشخص می کردند (فرهنگ دهخدا، ج 8، ص 12360)



فرنگی و به رنگ های قهوه ای کم رنگ و زرد اسلک و اندازه اسناد در ابعاد  $7 \times 10 - 7 \times 15 - 12 \times 20$  و  $21 \times 33$  می باشد . نوع نگارش بسیار زیبای اسناد، نشان از وجود محررین و مستوفیان و دیوانیان ماهر در این عرصه می باشد .

با بررسی نوع محاسبات و شیوه چیدمان آنها می توان اطلاعات بسیار جامعی در رابطه با نظام تشکیلات اداری، دیوانی و مالی ایران در عصر قاجاریه به دست آورد و همین طور با نحوه کار منشیان، مستوفیان و محرران و همچنین نحوه درج جمع و خرج ها، نوع قرار گرفتن اوراق بر روی یکدیگر که دارای قواعد خاصی است، نوع خط، فصل بندی مطالب و غیره آشنا شد که با در نظر گرفتن تمام موارد فوق می توان به نماد نظام اداری ایران آن دوره دست پیدا کرد.

### ب - محتوا و ارزشهای اطلاعاتی

اسناد مذکور را می توان به چهار موضوع اصلی تقسیم بندی کرد. این ملاک تقسیم بندی، در حین کار تفکیک موضوعی استخراج شده که شرح آن به قرار ذیل است:

1- مجموعه اسناد نظامی مربوط به افواج (پیاده، سواره و توپخانه) شمال غرب و غرب ایران حدود 6000 صفحه

2- مجموعه اسناد نظامی مربوط به نیروی سواره نظام منطقه، شمال شرق ایران حدود 3000 صفحه

3- تشکیلات قورخانه حدود 1300 صفحه

4- اسناد مرتبط با جمع و خرج و نحوه اداره تیولت حدود 400 صفحه

**قسمت اول** اسناد اکثراً مربوط به افواج نظامی مناطق آذربایجان است که شامل صورت اسامی فرمانده هان ارشد و سربازان، مواجب، مخارج مربوط به تعمیر و خرید سلاح و تجهیزات نظامی، نوع لباس، نوع سلاح ها و هزینه اعزام آنها به مناطق مرزی می باشد.

اسامی فوج های نظامی منطقه شمال غرب و آذربایجان با توجه به نام آنها در اسناد به شرح ذیل است :

فوج سواره نظام شاهسون ایل قورت بیگلو به فرماندهی حسینقلی خان میرپنجه (1295 ق) - فوج توپچیان

طایفه مقدم، نصرت بیگ و کیل (1298 ق) - فوج توپچیان خرقانی، اصلان خان سرتیپ (1289 ق) - فوج



توپچیان طایفه مقدم ساوجبلاغ، محمد کریم بیگ یاور (1299 ق) - توپچیان فوج مخبران توپخانه مقدم، بیوک خان سرهنگ (1299 ق) - سواران شاهسون مشکین، محمدقلی خان سرکرده - فوج اول خاصه، حسام الدوله (1297 ق) - فوج اول توپخانه بهارلو - فوج توپچیان اتریشی، اسدالله خان یاور (99-1295 ق) - فوج توپچیان مرندی، محمدبیک یاور (1299 ق) - فوج چهارم تبریزی، آقاخان سرتیپ (1295 ق) - فوج توپچیان طایفه مرندی و خلخال، نعمت الله سرهنگ فوج دوم توپخانه طایفه تبریزی، صفرعلی سرهنگ - فوج ایل بهارلو، نجف قلی خان ایل بیگی (1303 ق) - توپچیان فوج بهادران توپخانه طایفه بهارلو، الهوردیخان سرتیپ (1295 ق) - فوج دهم بهادران، شیخ علی خان سرتیپ (1298 ق) - فوج نهم خوی، میرعلی خان سرهنگ (1298 ق) - فوج پنجم طایفه خوی، تقی خان سرتیپ (1298 ق) - فوج سواره طایفه دلیکانلوی شقاقی، یوسف علی خان سرکرده (1294 ق) - فوج هشتم شقاقی، حسین علی خان جنرال آجودان مخصوص (1297 ق) - فوج ششم شقاقی، بیوک خان یاور دوم (1296 ق) - فوج پنجم شقاقی، بیوک خان یاور (1297 ق) - فوج مخبران شقاقی، محمدرضاخان سرهنگ (1296 ق) - فوج ششم اقبال تبریزی قراول خاصه شاهی ابوابجمعی شجاع السلطنه (1299 ق) - فوج قهرمانیه، شیرعلی سلطان (1288 ق) - فوج اخلاص افشار، خان باباخان سرتیپ (1291 ق) - فوج جدیدافشار، محمودخان یاور (1290 ق) - فوج توپچیان طایفه افشار، رجبعلی خان میرپنج (1296 ق) - فوج اول توپخانه طایفه افشار، محمدرضاخان سرتیپ (1296 ق) - فوج بهادران طایفه افشار، محمدآقا نایب اول (1297 ق) - فوج سواره افشار ارومی، محمدباقرخان (1295 ق) - فوج هشتم افشارتومان اول، اقبال الدوله - توپچیان فوج بهادران افشار و اول طایفه افشار، رجبعلی خان سرتیپ (1294 ق) - افواج قدیم و جدید قزوین ابوابجمعی محمدخان امیرتومان - فوج پنجم ایلات قراچه داغی - فوج کرکر - فوج مظفرمراغه - فوج مخبران ماکویی - فوج طایفه ارونقی - فوج گرمروود - فوج توپچیان طایفه گروسی - فوج سوادکوهی، ابوابجمعی میرزا کریم خان سرهنگ - فوج سربندی، ابوالفتح سرهنگ ابراهیم خان سهام الملک - فوج عرب وعجم بسطام، محمدباقرخان سرهنگ - فوج دماوندی، ابوالقاسم خان سرتیپ - فوج طایفه لک - فوج ملایری و فوج کمره.

**قسمت دوم** اسناد، مربوط به افواج منطقه شمال شرق کشور (خراسان) است. این فوج ها برخلاف فوج های آذربایجانی و غرب ایران اکثراً سواره نظام می باشند. گویا این منطقه دارای سواره نظام نیرومندی بوده است. اسامی فوج های سواره نظام این حوزه به شرح ذیل می باشد :



فوج سواره کوهستانی، جمعی حاجی آزادخان (1291ق) - فوج سواره تیموری، جمعی عطاء الله خان و علی مرادخان (1291 ق) - سواره هراتی، جمعی محمدحسن خان کوهستانی (1291ق) - سواره هزاره، یوسف خان سرتیپ (1291 ق) - سواره سرجامی - سواره سبزواری، سعادت قلی خان (1290 ق) - سواره چنارانی - سواره رادکانی، محمدرضاخان (1290 ق) - فوج قرایی درساخلوی سرخس، علی نقی بیک یاور (1290 ق) - سواره عمارلو، جمعی عبدالله بیک (1290 ق) - سواره بجستانی، جمعی گل محمدخان (1290ق) - سواران جیم آبادی، جمعی علیخان بیک بهادری (1290 ق) - سواره چولایی، جمعی رستم خان (1290ق) - سواره درگزی - سواره خوافی - سواره باخرزی - سواره میامی - سواره طوسی - سواره کنه بیست - سواره سنگ بست - سواره بجنوردی - سواره کلاتی - سواره تیموری - سواره قوچانی - سواره مزدورانی - سواره دزداب - سواره طبسی - سواره ثموری - سواره کابلی و سواره مزینانی . پیاده نظام های این منطقه برحسب آنچه که در اسناد آمده عبارتند از:

پیاده نظام نیشابور به فرماندهی حیدر قلی خان سرتیپ (1280ق)، پیاده نظام ترشیزی، عباس خان سرتیپ (1283ق) و پیاده نظام قاینی، امیرعلم خان حشمت الملک (1282ق). اسامی فرماندهان ذکر شده در کنار نام افواج، مربوط به همان سال می باشد و فقط جهت مثال آورده شده است.

در اواخر دوره قاجاریه به خصوص بین سالهایی که اسناد نظامی مذکور مربوط به همین فاصله زمانی می باشد، در قسمت شرق و شمال شرقی کشور، ترکمانان و اشرار بلوچ و افغانی مزاحمت های زیادی برای اهالی منطقه ایجاد می کردند و با حملات خود ضررهای جانی و مالی و اقتصادی فراوانی به مردم وارد می نمودند و حکومت مرکزی هم در اکثر مواقع فوج های نظامی دیگر نقاط ایران از جمله آذربایجان را به این مناطق گسیل می داشت تا با همکاری افواج خراسانی و سیستانی با اشرار مهاجم به مقابله بپردازند. اغلب اسناد این مجموعه مرتبط با قشون کشی افواج آذربایجانی به منطقه شمال خراسان، مخصوصاً سرخس و درگز می باشد که هدف اصلی آنها درگیری با ترکمن ها بود و غالباً هم در این جنگ ها پیروز می شدند (مدیریت اسناد، سند شماره 92766). در میان اسناد احکام و فرامینی موجود است که به فرماندهان ارشد به جهت توفیق در جنگ و شکست ترکمانان، نشان های طلا و نقره اعطاء شده است (آرشیو اسناد آستان قدس رضوی، سند شماره 92595).





درسال 1268 ق در ارتش ایران تحولاتی صورت پذیرفت و یک انتظام خاصی بر اساس شیوه های نوین آن دوره به خود گرفت. به این معنی که در سازمان آن، تقسیم بندی هایی به عمل آمد. برطبق این تقسیم بندی، ارتش به ده تومان قسمت شد که هر تومان آن به تفاوت شامل چهار تا یازده فوج می شد و فرمانده هر فوج مقام سرتیپ بود (بابایی، 1382، ج 1، ص 56).

هر فوج از ده رسد یا دسته تشکیل می شد و در رأس هر دسته یک سلطان و در زیر دست وی دو نایب، دو بیگ زاده، چهار وکیل و چهار سر جوخه مشغول به خدمت بودند. در هر فوج یک مشرف یعنی ناظر خرج فوج و چهار منشی قرار داشتند (بابایی، 1382، ج 1، ص 55). این تقسیمات با توجه به نمودار

تشکیلاتی بدست آمده از فوج ها با اندکی تغییرات جزئی به خوبی قابل مشاهده است.

با بررسی چند نمونه از نمودارهای پرسنلی به دست آمده از افواج مجموعه مورد نظر، تعداد کل نفرات هر فوج به حد نصاب هزار نفر نمی رسد یعنی بین 800 الی 900 نفر متغیر بود، حتی تعداد دسته ها یک دست نبود. این مسئله می توانست در چند عامل اصلی توجیه شود:

1- فرار یا فوت سربازان

2- کمبود بودجه و امکانات

3- بی نظمی ارتش ایران در اواخر دوره قاجاریه

ساختار تشکیلاتی یک فوج با توجه به محتوای اطلاعاتی اسناد مذکور به شرح ذیل از این قرار می باشد:  
در رأس هرم یک فوج مقام سرتیپ و سپس دیگر مناصب عالی نظامی قرار داشتند که به ترتیب عبارت بودند از: سرهنگ، سرشته دار، یاور، مشرف، آجودان، بیرق دار، تحویلدار، ماجور، سرکرده، وکیل باشی، وکیل بیرق یا بیدق، بیگ زاده، نایب اول و نایب دوم که هر کدام وظایف خاص خود را انجام می دادند.

در ردیف بعد از صاحب منصبان، دسته موزیکانچی قرار داشت که تعداد نفرات آن از این قرار بود:

شیپورچی بین 7 الی 9 نفر - طبال بین 12 الی 15 نفر - سنج زن 2 نفر - نی زن بین 12 تا 15 نفر

بعد از دسته موزیکانچی رسد یا دسته بهادران قرار داشت که در رأس آن مقام سلطان قرار دارد. ارباب مناصب این دسته عبارت بودند از یک نفر نایب اول، یک نفر نایب دوم و پنج نفر وکیل. دسته فوق خود به چهار جوخه





تقسیم می شد که در رأس هر جوخه یک سر جوخه قرار داشت که تعداد نفرات تحت فرماندهی وی بین 20 الی 25 نفر بود.

بعد از دسته بهادران به ترتیب دسته های اول تا ششم قرار داشتند. تعداد نفرات هر دسته به 80 الی 90 نفر می رسید. در رأس هر دسته به مانند دسته بهادران مقام سلطان قرار داشت. ارباب مناصب هر دسته بعد از مقام سلطان به ترتیب 2 مقام نایب و 5 نفر مقام وکیل داشت. هر دسته بعد از ارباب مناصبش چهار جوخه داشت که سر جوخه فرماندهی نفرات 20 الی 25 نفری را برعهده داشت. نهایتاً در ردیف آخر تشکیلات یک فوج، دسته مخبران (واحد مخابراتی) قرار داشت که چارت پرسنلی آن هم به مانند دیگر دسته ها بود. (آرشیو اسناد آستان قدس رضوی، سند شماره 92906) (نمودار شماره 1 پیوست) در هر فوج سمت ها و مشاغل دیگری هم وجود داشت که در کنار سربازان مشغول به خدمت بودند که نام و خلاصه شرح وظایف آنها به شرح ذیل بود:

**قراول:** مأمورین حفاظت از طرق و شوارع و پل ها و انتظام دادن به افواج (استرآبادی، 1341، ص 572).

**یساول:** کسانی بودند که اوامر شاه را به اشخاص و دسته های نظامی می رساندند (تکمیل همایون، ج 1، ص 86).

**نسق چی:** به هنگام جنگ در پشت سر پیاده ها قرار داشتند و از فرار سربازان جلوگیری می کردند و همچنین مسئولیت نظم قشون و حفاظت اموال و تأمین امنیت معابر نیز از دیگر وظایف آنها بود (سردادور، ص 280).

**نظام سرباز گیری** در سیستم پیاده نظام و سواره نظام با یکدیگر متفاوت بود. نظام سرباز گیری در بخش پیاده نظام «بنیچه» نام داشت. بر این اساس، هر روستا یا طایفه متعهد بود که متناسب با برآورد درآمد خود، سربازان مورد نیاز پیاده نظام را تأمین کند (فرهنگ معین، ذیل واژه). این قانون در سراسر ایران اعمال می شد ولی اراضی سلطنتی و مناطقی که در آنجا مالیات بر زمین وضع نشده بود؛ به طور عمده از دادن سرباز معاف بودند.

سربازانی که مطابق نظام بنیچه مشمول به شمار می رفتند و نامشان برای خدمت نظام ثبت می شد جیره خانوادگی سالانه موسوم به «خانواره» دریافت می کردند که به طور غیر مستقیم توسط روستائیان، یعنی در



واقع از طریق مالیاتهای ارضی که به دولت می پرداختند، تأمین می شد. سربازانی که در حین خدمت متوفی و یا فرار می نمودند، اهالی روستای آنها می بایست شخص دیگری را جایگزین وی می نمودند (طوسی، تاریخ معاصر، 1369، ص 89).

در اسناد این مجموعه و دیگر مجموعه های نظامی موجود در آرشیو اسناد آستان قدس رضوی تعداد زیادی عریضه موجود می باشد که رعایا و زارعین یک روستا خطاب به کدخدا و یا دیگر ریش سفیدان نوشته و در رابطه با عدم توانایی اشان در دادن سرباز با توجه به وضعیت معیشتی خود اعتراض داشتند و همچنین دارای یکسری قبوض اعلام وصولی می باشد که محتوای آن پرداخت خانواری به سربازان است (آرشیو اسناد آستان قدس رضوی، سند شماره 1455 و 54033).

**نیروی سواره نظام** ایران بر اساس قواعد ایلاتی سازماندهی شده بود. یعنی افراد تحت فرماندهی رهبران و رؤسای خود خدمت می کردند و شخصاً اسب، اسلحه و تجهیزات خود را تهیه می کردند. این نیروها تماماً در حوزة ها و نواحی محل سکونت خود خدمت می کردند و معمولاً هر کدام با نام ایل یا محل استخدام خود شهرت داشتند. برخی از این نیروها به صورت دائمی به عنوان «قره سوران»، یا پلیس حافظ طرق و شوارع (فرهنگ معین، ذیل واژه) استخدام می شدند. نیروی سواره نظام به دو دسته تقسیم می شد: دسته غلام رباب که گارد مخصوصی بود و شامل 400 سوار می شد و هر 10 سوار زیر فرمان یک ده باشی و هر 100 سوار به فرماندهی یک یوزباشی خدمت می کردند و دسته غلام سوار که هر هزار تن آنها تحت فرمان یک سلطان بوده و 2 نایب و 2 وکیل و 2 سرخوخه تحت امر وی بودند (ورهام، 1367، ص 111).

اکثر فوج های سواره نظام این مجموعه همان طور که قبلاً نام آنها آورده شد مربوط به حوزة خراسان می باشند. این اسناد با توجه به حجم زیاد آن، اطلاعات جامعی درباره ایلات و طوایف خراسانی حاضر در نظام، منطقه تمرکز آنها، تعداد نفرات، نام فرماندهان، میزان مواجب دریافتی شان، نوع سلاح و پوشش آنان، تیره های یک طایفه و ریش سفیدان (فرمانده)، شیوه اردو کشی و جنگ و نوع ملیت آنها در اختیار محققان و پژوهشگران قرار می دهد.

**تسلیحات:** بانگاهی گذرا به اسناد می توان پی به این مطلب برد که اکثر سلاح های نظامیان، قدیمی، مستعمل و فرسوده هستند و هر از چند گاهی نیاز به تعمیر و مرمت پیدا می کردند که مسئولیت این کار بر عهده قورخانه بود. سلاح های مورد استفاده سربازان با توجه به اسناد در این دوره تفنگ های فتیله ای،



چخماقی، اشنايدر، مارتینی، روسی، ورندل، پروسی، گالین، شانیورست، بردان و مگزین است (آرشيو اسناد آستان قدس رضوی، سند شماره 92949).

از جمله سلاح های سنگین که در این زمان مورد استفاده قرار می گرفت می توان به شمخال، زنبورک و توپ اشاره کرد. حمل کننده شمخال را، شمخالچی می نامیدند. این تفنگها بسیار سنگین بود. یک شمخالچی می بایست دو شاخه ای با خود حمل می کرد که در موقع تیراندازی، سنگینی تفنگ را بر روی آن بیندازد (سردادور، 1354، ص 509).

زنبورک هم از سری سلاح هایی بود که نوع کوچک توپ محسوب می شد. این سلاح بر بالای چهار شتر، روی یک محور بر بالای استخوان کتف شتر بسته می شد. در قسمت راست شتر فتیله زنبورک و در قسمت چپ آن کیسه های باروت و گلوله را آویزان می کردند. زنبورکچی در پشت این دستگاه روی زین در عقب کوهان شتر سوار می شد و مهار شتر را می گرفت و به هنگام جنگ با همین شکل به سوی دشمن می راند. زمانی که می بایست تیراندازی آغاز شود، شترسوار یا زنبورکچی با اشاره پا، شتر را چهار زانو می خواباند و شتر به صورت پایه یا عراده توپ در می آمد آنگاه زنبورکچی شلیک را آغاز می کرد (تکمیل همایون، 1376، ج 1، ص 68).

توپخانه ایران هم در این دوره اکثراً توپهای فرانسوی و اتریشی بود که با اسب و یا قاطر جا به جا می شدند که در این رابطه اسناد بسیار زیادی درباره تعمیر توپها، هزینه حمل و نقل آنها، پرداخت کرایه به مکاری ها و اسامی توپها موجود می باشد (آرشيو اسناد آستان قدس رضوی، سند شماره 92880 و 92880).

**پوشاک نظامیان** : لباس سربازان و فرماندهان در این دوره از جنس تمام ماهوتی (نوعی پارچه پشمی)، نیم ماهوتی، متقالی، کرباسی و فلفل نمکی بود. همچنین این سربازان دارای چکمه و نیم چکمه های چرمی، کمربندفشنگ، زانوبند، کیف، کلاه و شال کرمانی بودند که وظیفه تهیه آنها به عهده قورخانه بود. (مدیریت اسناد، سند شماره 92520 و 92552) فوج های نظامی دارای خیمه هایی بودند که در زمان اعزام مأموریت به مناطق مختلف از آن استفاده می کردند. این خیمه ها یا چادرها تحت عناوین سرهنگی، یابوری، قلندری، چهارچوب و چادر داوخانه (داروخانه) در اسناد آمده است (آرشيو اسناد آستان قدس رضوی، سند شماره 92910).



**موجب و مستمری:** سربازان حقوق و مستمری بخود را به صورت سه ماهه و یا شش ماهه دریافت می داشتند. میزان پرداخت موجب بر پایه مقیاس متغیری بود که بستگی به درجه، رتبه و نشان های طلا و نقره دریافتی داشت. سربازانی که بازنشست می شدند، نصف حقوق خود را می گرفتند ولی افسران دارای درجات بالا غالباً کل حقوق خود را دریافت می نمودند. گاهی عواملی همچون دیر پرداخت شدن موجب و پایین بودن مبلغ آن منتج به شرارت و غارتگری نظامیان می شد که در این رابطه گزارش های فراوانی در مجموعه های اسناد نظامی موجود می باشد (آرشیو اسناد آستان قدس رضوی، سند شماره 54260 و 5419).

همانطور که قبلاً ذکر شد یکی از محلهای تأمین موجب سربازان، نظام بنیچه بود و غیر از این منبع، مالیات جمع آوری شده از املاک تیولی و خالصه جات هم از دیگر منابع تأمین هزینه سربازان از جمله حقوق آنها بود. برای آگاهی بیشتر از میزان موجب دریافتی نظامیان، طوماری در اسناد موجود است که مربوط به فوج زنگنه خراسان می باشد. در این سند ضمن درج اسامی صاحب منصبان و سربازان، میزان موجب دریافتی آنها را با رعایت سلسله مراتب نظامی و در نظر گرفتن نشان های افتخار در سه ماهه اول سال 1281 ق آورده شده که شرح آن به قرار ذیل است: (آرشیو اسناد آستان قدس رضوی، سند شماره 92863)

محمد رضا خان سرتیپ فرمانده فوج 129 تومان و 800 دینار / یاور (سرگرد) 30 تومان / مشرف 60 تومان / آجودان (بانشان طلا) 15 تومان و 300 دینار / بیرقدار 9 تومان و 500 دینار / تحویلدار 7 تومان و 125 دینار / ماجور 5 تومان و 9375 دینار / وکیل باشی (نشان نقره) 4 تومان و 3700 دینار / بیک زاده 4 تومان و 1500 دینار / وکیل بیرق 2 تومان و 2500 دینار / شیپورچی (نشان نقره) 2 تومان و 9450 دینار / نی زن باشی 2 تومان و 9450 دینار / طبال باشی 3 تومان و 3250 دینار / سلطان (سروان) 14 تومان و 2500 دینار / نایب اول 7 تومان و 1250 دینار / نایب دوم 4 تومان و 1250 دینار / سر جوخه 2 تومان و بقیه نفرات (سربازان عادی) 1 تومان و 1500 دینار.

**قسمت سوم** اسناد مربوط به **تشکیلات قورخانه** می باشد. قورخانه یکی از مراکز مرتبط با امور نظامی بود که به و فور در اسناد مذکور موجود می باشد. این اداره توسط یک مقام غیر نظامی با رتبه وزارتی اداره می شد که اعم وظایف آن عبارت بود از:

خرید تسلیحات، مهمات و ادوات نظامی، ساخت و تعمیر برخی از تجهیزات، تهیه پوشاک و لباس و حمل وسایل و تجهیزات نظامی در اردوها (طوسی، تاریخ معاصر، ص 59) قورخانه علاوه بر تهران که مرکز بود در



دیگر نقاط ایران همچون گرگان، اصفهان، کرمان، کرمانشاه، خوی، خرم‌آباد، کردستان، مشهد، ساری، شیراز، شوشتر و تبریز شعباتی داشت (آرشیو اسناد آستان قدس رضوی، سند شماره 54062). اسناد مجموعه مذکور اکثراً متعلق به قورخانه آذربایجان می باشد که با مطالعه این اسناد می توان با وظایف و تشکیلات داخلی آن آشنا شد. قورخانه از چندین قسمت تشکیل شده که در هر یک از آنها، صنعتگران مسؤولیت انجام یک کاری را بر عهده داشتند. دسته های فوق به قرار ذیل است: (آرشیو اسناد آستان قدس رضوی ، سند شماره 54068)

دسته باربندی و حمل و نقل تجهیزات ، دسته بستن کیسه های توپ و پرکردن گلوله ها، دسته چاشنی سازان، دسته مهران (باروط کوبی )، دسته فشنگ سازی، پرکردن و چاشنی گذاشتن فشنگها، دسته تفنگ سازی و چخماق سازی، دسته آتشبازی (مخصوص شلیک گلوله های الوان توپ در مراسم ها)، دسته سراجی (زین سازی) ، دسته انبارداری تفنگ، دسته انبار حاصل کار، دسته حدآدان، دسته ریخته گران، دسته نجاران، دسته طرّفه سازان، دسته نقاشان، دسته قداره سازان، دسته طبل و شیپورسازان و دسته دواتگران. آنچه که از اسناد استنتاج می شود این است که قورخانه حتی مسؤولیت تهیه لباس و چادرهای نظامی را برای افواج برعهده داشت . لازم به ذکر است که تأسیسات قورخانه از قبیل دستگاههای پرس، برس و موتورهای چرخ بخار از اتریش و فرانسه وارد شده بود.

از جمله وسایل جانبی ( غیر از تجهیزات اصلی مثل تفنگ و فشنگ ) که در قورخانه توسط صنعتگران تولید و یا تعمیر می شد می توان به موارد ذیل اشاره نمود:

سمبه دوسر حلقه دار جهت باز کردن لوله اهرم، سمبه، مال بنداسب، قنطاق ، توشکچه زیرزین ، سینه بند، زنجیر، گلن گدن، کیف، درجات نظامی، زانوبند، مال بند، چاشنی کش، چاشنی کوب، باروت کش برنجی، گلوله گیر چوبی، کفگیر گلوله ریز، فانسقه طرح، فرانسه و اتریشی، رکاب توپ، ماسه کوب آهنی، تخته گلوله ریزی، چاشنی دان مسی و حلبی و غیره .

تشکیلات قورخانه هم به مانند تشکیلات افواج نظامی بود. یعنی در رأس آن، ارباب مناصب و سپس اصناف صنعتگر و دیگر کارکنان در رده های بعد قرار داشت. سرپرستی قورخانه را مقام سرتیپ عهده دار بود. نمودار کارکنان قورخانه آذربایجان در سال 1298 ق با توجه به محتوای اسناد مجموعه مذکور به شرح ذیل است :

(آرشیو اسناد آستان قدس رضوی، سند شماره 92504)



1 نفر سرتیپ، 1 نفر سررشته دار، 4 نفر تاور، 6 نفر سلطان، 2 نفر نایب اول، 8 نفر نایب دوم، 8 نفر وکیل، 1 نفر مشرف و 63 نفر صنعتگر و دیگر کارکنان.

**قسمت چهارم اسناد،** کتابچه های دستورالعمل دیوانی و جمع و خرج مربوط به املاک تیولی حوزه آذربایجان می باشد. تیول به زمین هایی گفته می شد که درآمد و هزینه آن از طرف پادشاه و دولت به اشخاص به خاطر ابراز لیاقت یا به ازای مواجب و حقوق آنها واگذار می گردید. (فرهنگ معین، ذیل واژه) این رسم از دوره ایلخانان شروع و تا اواخر دوره قاجار ادامه داشت. این زمین ها غالباً در دست صاحب منصبان نظامی، تجار، ملاکین و اشخاص متنفذ آذربایجان بود. به این املاک هر ساله مالیات دیوانی تعلق می گرفت و از محل همین درآمدها بود که دولت می توانست مواجب و حقوق نظامیان را پرداخت نماید.

مکاتبات صورت گرفته در اسناد این قسمت، اطلاعات مفیدی در ارتباط با نحوه اداره املاک، شیوه واگذاری اجاره آنها و شیوه وصول مالیات ها و جمع و خرج ها می دهد. از جمله املاکی که نام آن در اسناد آمده و به اشخاص مختلف واگذار شده بود می توان به موارد ذیل اشاره نمود:

قریه طاران تیولی میرزا خسرو خوشنویس، قریه قراچه داغ تیولی میرزا محمدعلی مجتهد، قریه سنگ از قراچه داغ تیولی میرحسن خان تفنگدارباشی، زردین سفلی و قراء گرمورد تیولی میرزا رفیع خان مستوفی خاصه سرکار، قریه کردستن سلماس تیولی محمدفتحعلی خان، املاک خالصه دیوان اردبیل تیولی حسنعلی خان سرتیپ افشار و آجودان مخصوص، قریه کلاله تیولی میرزاصادق خان، قراء ساوجبلاغ تیولی میرزا احمد قاضی و چلیک مراغه تیولی حاج محمدتاجر.

از جمله اسناد مهم و با اهمیت مجموعه خریداری شده، سواد فرمان های شاه و احکام سپهسالار اعظم در مورد انتصاب اشخاص به سمتهای نظامی گری، ارتقاء درجه و اعطای نشان می باشد که به صورت فرد (تعریف آن در ابتدای مقاله آمده است) در جزء کتابچه های دستورالعمل دیوانی و جمع و خرج های نظامی قرار گرفته است (آرشیو اسناد آستان قدس رضوی، سند شماره 92998) و دومی صورت اسامی دو گروه چهار نفره از نظامیان است که تحت عنوان قراول محافظت کنسولگری های فرانسه و انگلیس را به عهده داشتند (آرشیو اسناد آستان قدس رضوی، سند شماره 92983).



در پایان بایست افزود که مجموعه مذکور به جهت دارا بودن اطلاعات بسیار جامع و روشن در رابطه با وضعیت ارتش ایران در دوره قاجاریه در نوع خود یکی از منحصر به فردترین مجموعه های حال حاضر می باشد که می تواند علاقمندان و پژوهشگران این عرصه را به خود جلب نماید.

موضوعات پیشنهادی جهت پژوهش با تکیه بر اسناد مجموعه حاضر و دیگر مجموعه های مرتبط ( موجود در آرشیو مدیریت اسناد و مطبوعات استان قدس رضوی ) به شرح ذیل می باشد:

1- موضوعاتی که در قالب طرح قابل ارائه می باشند، مثل: «وضعیت ارتش ایران در اواخر دوره قاجاریه»، «معرفی قورخانه و تشکیلات آن»، «وضعیت امنیتی شرق و شمال شرق کشور».

2- موضوعاتی که در قالب مقاله قابل بررسی هستند؛ شامل «سازمان و چارت تشکیلاتی افواج نظامی»، «تشکیلات دیوانی و اداری دوره قاجاریه»، «معرفی مناصب نظامی و شرح و ظایف آنها»، «نقش طوایف در تشکیلات نظامی عصر قاجاریه»، «اصطلاحات رایج نظامی دوره قاجار»، «نوع لباس و تسلیحات نظامیان دوره قاجاریه».

### پیوست: سازمان تشکیلاتی یک فوج: (نمودار شماره 1)

1- سرتیب (فرمانده فوج)

2- ارباب مناصب ( سرهنگ - یاور - سررشته دار - مشرف - آجودان - بیرق دار - تحویلدار - ماجور - سرکرده - وکیل باشی - وکیل بیدق - بیک زاده - نایب اول - نایب دوم )

3- دسته موزیکانچی ( شیبورچی - طبال - نی زن - سنج زن )

4- دسته بهادران ← سلطان (فرمانده) ← ارباب مناصب (نایب - وکیل) ←

جوخه اول : سرجوخه  
جوخه دوم  
جوخه سوم  
جوخه چهارم





5- دسته اول ← سلطان (فرمانده) ← ارباب مناصب (نایب - وکیل) ←  
- جوخه اول : سرجوخه  
- جوخه دوم  
- جوخه سوم  
- جوخه چهارم

6- دسته دوم ← سلطان (فرمانده) ← ارباب مناصب (نایب - وکیل) ←  
- جوخه اول : سرجوخه  
- جوخه دوم  
- جوخه سوم  
- جوخه چهارم

7- دسته سوم ← سلطان (فرمانده) ← ارباب مناصب (نایب - وکیل) ←  
- جوخه اول : سرجوخه  
- جوخه دوم  
- جوخه سوم  
- جوخه چهارم

8- دسته چهارم ← سلطان (فرمانده) ← ارباب مناصب (نایب - وکیل) ←  
- جوخه اول : سرجوخه  
- جوخه دوم  
- جوخه سوم  
- جوخه چهارم

9- دسته پنجم ← سلطان (فرمانده) ← ارباب مناصب (نایب - وکیل) ←  
- جوخه اول : سرجوخه  
- جوخه دوم  
- جوخه سوم  
- جوخه چهارم

10- دسته ششم ← سلطان (فرمانده) ← ارباب مناصب (نایب - وکیل) ←  
- جوخه اول : سرجوخه  
- جوخه دوم  
- جوخه سوم  
- جوخه چهارم



- جوخه اول : سرجوخه
- جوخه دوم
- جوخه سوم
- جوخه چهارم

11- دسته مخبران ← سلطان (فرمانده) ← ارباب مناصب ← (نایب-وکیل) ←

## منابع و مأخذ :

- استرآبادی، مهدی (1341). **جهانگشای نادری**. به اهتمام حسین انوار. تهران: انجمن آثار ملی .
- بابایی، غلامرضا (1382). **تاریخ ارتش ایران**. تهران: آشیان .
- تکمیل همایون، ناصر (1376). **تحولات قشون در تاریخ معاصر ایران**. تهران: دفتر پژوهشهای فرهنگی.
- رضاقلی، علی (1382). **جامعه شناسی نخبه کشی**. تهران: نشر نی.
- سپهر، محمد تقی (1337). **ناسخ التواریخ**. تهران: امیر کبیر.
- سردادور، ابوتراب (1354). **تاریخ نظامی و سیاسی ایران دوران نادر**. تهران: ستاد ارتش.
- قائم مقامی، جهانگیر (1350). **مقدمه ای بر شناخت اسناد تاریخی**. تهران: انجمن آثار ملی.
- مجموعه مقالات تاریخ معاصر ایران. تهران: مؤسسه پژوهش و مطالعات فرهنگی، 1369.
- معین، محمد (1344). **فرهنگ معین**. تهران: امیر کبیر .
- منصف، محمدعلی (1354). **شوکت الملک علم**. تهران: امیر کبیر،
- ورهام، غلامرضا (1367). **نظام سیاسی و سازمان های اجتماعی ایران در عصر قاجار**. تهران: معین.
- یکرنگیان، میر حسین (1384). **سیری در تاریخ ارتش ایران**. تهران: خجسته.